

## کوشش‌های اولیه برای تشکیل اتحادیه‌های کارگری در ایران



### آوتیس میکائیلیان (سلطان‌زاده)

کوشش‌های اولیه برای تشکیل اتحادیه‌ها در ایران، از سال ۱۹۰۶، یعنی از مرحله‌ی انقلاب اول، آغاز شد. در آن موقع کارگران چاپ‌خانه‌های تهران، که زیر نفوذ شدید دمکرات‌ها قرار داشتند، اتحادیه‌های خود را تشکیل دادند. ولی بعداً موقعی که ارتجاع تسلط یافت - و هنگامی که حزب دمکرات تغییر ماهیت داد و پیشوایان‌اش پس از رسیدن به پست‌های وزرات، مدافع جدی تاج و تخت شاه شدند - این اتحادیه بدون این که به موفقیت چشم‌گیری برسد، منحل شد. این وضع تا سال ۱۹۱۸، ادامه یافت. سالی که قحطی بی‌سابقه، تقریباً "سراسر نواحی شمال

ایران را فرا گرفته بود و صدها و هزاران نفر از گرسنه‌گی تلف می‌شدند و گرانی دایم التزاید خواربار، توده‌های وسیع کارگران و زحمت‌کشان را به مرگ از گرسنه‌گی تهدید می‌کرد. این بار نیز کارگران چاپ‌خانه‌های تهران پیش قدم شدند و اتحادیه‌های صنفی خود را تشکیل دادند. آنان بعد از چند اعتصاب، دولت را وادار ساختند که لایحه‌ی قرارداد دسته جمعی را که توسط خود آن‌ها تنظیم شده بود و روابط متقابل کارگران و کارفرمایان را معین می‌کرد، تصدیق نماید. ضمناً تا حدی وضع اقتصادی خود را بهبود بخشیدند. در این قرارداد، هشت ساعت کار روزانه، سیستم پرداخت اضافه‌کاری، بهبود شرایط بهداشتی در متبعه‌ها و غیره مقرر شد. این موفقیت نسبتاً بزرگ کارگران چاپ‌خانه‌ها، روحیه‌ی کارگران دیگر رشته‌ها را فوق‌العاده بالا برد، به طوری که آن‌ها نیز به تدریج دست به تشکیل اتحادیه‌های خود زدند.

تا اول ژانویه‌ی سال ۱۹۲۳، وضع اتحادیه‌های صنفی تهران به شرح زیر بود:

۱. اتحادیه کارگران چاپخانه‌ها	۱۸۰ نفر	۲. تلگراف‌چیان تهران	۲۰۰ نفر
۳. اتحادیه‌ی بزازها	۳۵۰ نفر	۴. تلگراف‌چیان تمام ایران	۲۰۰۰ نفر
۵. اتحادیه‌ی نانواها	۳۰۰ نفر	۶. کفاشان	۳۰۰ نفر
۷. اتحادیه کارمندان تجارت‌خانه‌ها	۲۵۰ نفر	۸. خیاطان	۲۰۰۰ نفر
۹. اتحادیه‌ی نامه‌رسانان	۹۰ نفر	۱۰. بیراق بافان	۱۵۰ نفر
جمع	۱۱۷۰	جمع	۴۶۵۰
جمع کل: ۵۸۲۰ نفر			

در سال ۱۹۲۰ برای رهبری عمومی و امور تعلیماتی و هم چنین برای تشکیل اتحادیه‌های تازه، شورای اتحادیه‌های تهران تشکیل شد که در آن از هر اتحادیه سه نفر نماینده‌ی منتخب شرکت دارند. بدین ترتیب در اوایل سال ۱۹۲۲، تمام اتحادیه‌های مذکور با قریب ۱۰ هزار عضو که ۲۰ درصد تعداد کل کارگران تهران را تشکیل می‌دهند، به شورای اتحادیه‌ها ملحق شدند.

به زودی شهرهای ایالات نیز از تهران سرمشق گرفتند و در این شهرها به استثنای تبریز، اتحادیه‌هایی تشکیل شد. اکنون در ایران مجموعاً حدود ۲۰ هزار نفر کارگر و کارمند عضو اتحادیه‌های صنفی هستند. اتحادیه‌های ایران با این که تازه تشکیل شده‌اند، طی شش ماهه‌ی آخر سال ۱۹۲۱، به چند اعتصاب موفقیت‌آمیز دست زدند. بدین ترتیب، اتحادیه‌های صنفی رفته رفته نقش چشم‌گیری در صحنه‌ی سیاسی ایران بازی می‌کنند. اتحادیه‌ها یک دفتر مرکزی نیز دارند، که در نوامبر ۱۹۲۲، تأسیس شده و جزء اتحادیه‌های سرخ انترناسیونال مسکو می‌باشد.

برای ترسیم دورنمای آتی جنبش کارگری در ایران و نشان دادن آن رشته‌های تولیدی‌یی که کارگران‌شان به عضویت اتحادیه‌ها در می‌آیند، جدول زیر را می‌آوریم. البته در این جدول فقط کارگاه‌ها و مؤسسات تبریز و تعداد کارگران آن‌ها در اوایل سال ۱۹۲۲، نشان داده شده، ولی نمونه‌ی مشخصی برای سایر شهرهای ایران نیز هست:

نوع تولید	تعداد کارگاه یا مؤسسه	تعداد کارگران
فرش بافی	۱۷۵	۲۶۲۵
نخ ریسی	۱	۱۵۰
بافنده گی (فاستونی)	۲	۲۰۰
بافنده گی (عبا)	۱۰	۱۰۰
بافنده گی (Ulep)	۲۰	۱۰۰
بافنده گی (شال)	۳۰	۱۸۰
ظروف پینی بدلی	۱۰	۵۰
چاپ خانه	۸	۱۲۰
باسمه	۷	۳۵
دخانیات	۳۰	۳۰۰
پایروس سازی	۵	۵۰
آجر پزی	۵	۵۰
باروت سازی	۳	۳۰
دوشاب	۲۰	۱۰۰
رنگ رزی	۴۰	۲۰۰
صابون پزی	۱۰	۶۰
آهن گدازی و گچ پزی	۵۰	۵۰
جمع	۴۲۶	۴۴۰۰

به این فهرست باید کارگاه‌های زیر را افزود:

تعداد کارگاه یا مؤسسه	تعداد کارگران	نوع تولید
۱۰۹۰	۴۶۸۰	کارگاه‌های کوچک صنعت‌گری نظیر آهن‌گری، ریخته‌گری، چلنگری، جوراب بافی، نانوايي و غيره
۴۷۰	۱۹۴۲	سایر کارگاه‌های پیشه‌وری: دباغی و سرآجی، سلمانی و مواد غذایی
۱۸۶۵	۳۸۶۵	مؤسسات بازرگانی و بنگاه‌های معاملاتی
۵۵۲۵		تعداد مفتی‌ها، سقاها، سنگ‌تراش‌ها، باربرها و غيره
۵۳۰		در ادارات و مؤسسات دولتی
۲۰۰۰		کارگران سایر حرف، دلال‌ها، ارابه‌چی‌ها، باغبان‌ها و غيره

بدین ترتیب، تعداد افراد مزدبگیر در تبریز برابر با ۲۲۹۴۲، نفر است و اگر خدمت کاران منازل و بیکاران را که تعدادشان در ایام اخیر به علت بحران اقتصادی افزایش یافته، بر این رقم علاوه کنیم، آن وقت رقم کل به حدود ۳۰ هزار نفر خواهد رسید.

تبریز از بسیاری لحاظ یک نمونه کامل برای سایر شهرهای بزرگ ایران، مثلاً "اصفهان، شیراز، کرمان، یزد، تاحدی رشت، مشهد، قزوین و غيره به شمار می‌رود. اما درباره‌ی تهران باید خاطر نشان کرد، که طبق آخرین آمار در این جا تعداد مزدبگیر ۵۰ هزار نفر است.

بهره‌کشی و استثمار در این کارگاه‌ها و مؤسسات واقعا "وحشتناک است. تقریباً هیچ قانونی درباره‌ی مدت کار روزانه وجود ندارد و به همین سبب، هر کارفرمایی هر طور دل‌اش خواست با کارگران رفتار می‌کند. به خصوص صاحبان

کارگاه‌های کوچک بیداد می‌کنند. در این کارگاه‌ها، ۱۱ تا ۱۲ ساعت کار روزانه یک امر عادی محسوب می‌شود. استثمار در کارگاه‌های قالی‌بافی، که کارفرمایان به معنای واقعی کلمه عرق زنان و کودکان را در می‌آورند، وحشتناک است. مدت کار روزانه در این کارگاه‌ها از ۱۰ الی ۱۲ ساعت است. ضمناً "خردسالان درست به اندازه‌ی بزرگسالان کار می‌کنند و پذیرش یا اخراج کارگران مطلقاً" وابسته به رأی مدیر کارگاه است. برای نمونه، تصویب‌نامه‌ی لازم‌الاجرای دولت در مورد مقررات کار در کارگاه‌های قالی‌بافی کرمان را در این جا نقل می‌کنیم. به این مناسبت تلگرام زیر از کرمان به تهران فرستاده شد:

«۱۰ دسامبر سال ۱۹۲۱، ما صاحبان کارگاه‌های قالی‌بافی مطابق دستور دولت، در حضور والی، تعهد زیر را در کلیه‌ی کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، اعم از این که به کارفرمایان ایرانی متعلق باشند یا اتباع خارجی، به عهده می‌گیریم:

۱. به هیچ عنوان به کار اجباری متوسل نشویم و شرایط استخدام را بر اساس

توافق طرفین منعقد کنیم؛

۲. شرایط قرارداد پس از حاکم شرع بایستی توسط مدیر کارخانه در شعبه‌ی

وزارت فواید عامه به ثبت برسد و در آن جا نیز تصدیق شود؛

۳. کلیه‌ی کنترات‌هایی که تا ۱۳ مارس امسال (اول حمل) منعقد شده‌اند، ملغی

محسوب می‌شوند و کنترات‌هایی که بعد از این تاریخ منعقد شده، بایستی مطابق

بند دو این تعهدنامه برای ثبت به اداره‌ی فواید عامه تسلیم شوند؛

۴. مدت کار تمام کارگران و افرادی که در تولید شاغل هستند، و در تمام

فصول سال، ۸ ساعت تعیین می‌شود؛

۵. پسر بچه‌هایی که در تولید کار می‌کنند، نباید سن‌شان کم‌تر از ۸ سال و

دختر بچه‌ها کم‌تر از ۱۰ سال باشد؛

۶. کار باید در حد امکان خود موافق دستورات نماینده گان نظارت صحی این کار را انجام دهند؛

۷. از این تاریخ تا ۱۳ مارس سال آینده، که مسأله‌ی پاداش کارگران به طور نهایی مورد تجدیدنظر قرار خواهد گرفت، میزان پاداش کارگران پنج درصد افزایش می‌یابد؛

۸. کارگاه‌ها باید روزهای جمعه و اعیاد تعطیل شوند؛

۹. کارگاه‌های زنان و مردان باید از هم جدا شوند؛

۱۰. جمعیت قالی‌باف موظف به اجرای مقررات مذکور بوده و در صورت تخلف به بازخواست جلب خواهد شد. تفتیش و نظارت بهداشت بر کارگاه‌ها به عهده‌ی دکتر احیاءالملک محول می‌شود.»

ما تعمداً" متن کامل این سند را آوریم، تا نشان دهیم که کارگر ایرانی و عائله‌ی او در چه شرایط دوزخی زنده‌گی و کار می‌کنند. از قرارداد پیداست، که در کرمان نه تنها کار طویل‌المدت معمول است، نه تنها ابتدایی‌ترین شرایط بهداشتی و تعطیل در هفته وجود نداشت و نه تنها استثمار کودکان شش ساله رواج داشت، بل که کار اجباری هم مرسوم بود. یعنی کارگر در واقع به صورت سرف و برده‌ی ارباب خود در می‌آمد. اصولاً" تنها خود واقعیت مداخله‌ی حکومت تهران در این کار نشان می‌دهد، که وضع کارگران کرمان تا چه حد شاق و توان‌فرسا بوده است. باید متذکر شد، که این استثمار وحشیانه تنها منحصر به کرمان نبوده است، بل که در خراسان، آذربایجان، سلطان آباد (اراک)، فارس و همه‌جا و هر جا که قالی‌بافی دایر است، چنین استثماری وجود دارد. در کارگاه‌های قالی‌بافی به طور کلی زنان و کودکان کار می‌کنند. کار از طلوع آفتاب شروع می‌شود و تا غروب (۱۳ تا ۱۴ ساعت) ادامه دارد. کودکان خردسال از ۶ سال به بالا به کار

پذیرفته می‌شوند. دختران از ۱۲۶ سال، از ۲ تا ۲۵ شاهی در روز مزد می‌گیرند. دختران از ۱۴ سال به بالا اگر بتوانند مستقل کار کنند و دیگران را تعلیم دهند، از ۱۵ تا ۳۰ شاهی در روز مزد می‌گیرند. خوراک معمول آنان فقط نان و آب است. و اگر گرانی یا قحطی شروع شود، مرگ و میر در میان آنان با سرعت برق افزایش می‌یابد. چنین است نحوه‌ی تولید آن قالی‌های نفیس و زیبایی که در ایران و خارجه زینت بخش بهترین کاخ‌ها و سالن‌های بورژواهاست.

بدین‌سان، در مقابل اتحادیه‌های ایران، میدان فعالیت مساعدی برای نجات هزار کارگر زن و مرد از استثمار دهشتناک و بالا بردن سطح زنده‌گی اقتصادی و فرهنگی آنان گشوده می‌شود. البته اگر زمام حکومت در دست خود کارگران می‌بود، آسان‌تر می‌شد به این هدف نائل آمد. ولی منافع نه تنها کارگران، بل که دهقانان نیز حکم می‌کند که قبل از هر چیز بقایای فئودالیسم ریشه‌کن شود و در شرایط موجود با استفاده از پشتیبانی عناصر بورژوا دمکرات کشور، می‌توان و باید این کار را انجام داد.

هم‌زمان با این کار ما باید سازمان‌های خود را مستحکم و نیرومند سازیم. زیرا در جریان پیکار تا آخرین دقیقه، شکل و یک پارچه‌گی طبقه‌ی مبارز به خاطر آزادی خود به صورت عامل قاطعی برای تمام روند آتی انقلاب در می‌آید.<sup>۳</sup>

---

۳ - بخشی از نوشته‌ی آ. سلطان‌زاده درباره‌ی جوانب عمده‌ی زنده‌گی ایران: مسکو ۳۱، ژوئیه سال ۱۹۲۲، مندرج «اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دمکراسی و کمونیستی ایران»، جلد چهارم، انتشارات مزدک